چهارشنبه ۵ آذر ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۱۹۲۴ ■ ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ ■ ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵

مشهد
اذان ظهر: ۱۱:۱۹
غروب آفتاب: ۱۶:۱۸
اذان مغرب: ۱۶:۳۸
نیمه شب: ۲۲:۳۴
اذان صبح فردا: ۰۴:۵۱
طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۰

تهران
اذان ظهر: ۱۱:۵۲
غروب آفتاب: ۱۶:۵۲
اذان مغرب: ۱۷:۱۲
نیمه شب: ۲۳:۰۷
اذان صبح فردا: ۰۵:۲۳
طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۲

امام حسن علیه السلام می فرمایند:
**لاتُعاجِلِ الذَّنبَ بِالعُقُوبَةِ واجْعَلْ بَينَهُما لِلاِعتِذارِ طَريقا ؛**
در مجازات خطا کار شتاب مکن و میان خطا ومجازات، راهی برای عذرخواهی قرار ده .
[ بحار الأنوار ، ج ۷۸ ، ص ۱۱۳]

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل : رضا غیاث آبادی
مدیرمسئول و سردبیر: حامد رحیم پور
دفترمرکزی: مشهد، بلوارشهید صادقی(سازمان آب)
کدپستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۷۱
تلفن: ۳۷۰۰۹۰۰۰ ۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵ ۰۵۱
پذیرش آگهی: ۳۷۰۱۰ ۰۵۱

روابط‌عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹
نمابرجوابیه‌ها: ۳۷۶۵۷۷۷۲ ۰۵۱
نمابرآگهی‌ها: ۳۷۶۱۲۰۳۵ ۰۵۱
تلفن امورمشترکین: ۳۷۰۰۹۷۷۷ ۰۵۱
دفتر تهران: خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی کوچه تاردان، پلاک ۲۳
تلفن و فاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹ ۰۲۱

چاپ مشهد: شهرچاپ خراسان | چاپ تهران: چاپخانه جام جم برتر برنا

www.khorasanonlin.ir
e-mail:info@khorasannews.com
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه خراسان را در سایت بخوانید
سامانه ثبت آگهی آنلاین خراسان: www.khorasanet.ir

# خراسان
روزنامه صبح ایران
WWW.KHORASANONLIN.IR

2411200702420001

## تازه های مطبوعات

آرمان امروز - اگر جمعیت ایران را حدود ۹۱ میلیون نفر بدانیم و بعد این اعداد را روی کاغذ بیاوریم، سهم هر ایرانی از هزینه‌های سالانه صداوسیما: روزانه بیش از یک میلیون تومان (۱/۰۵۵/۰۰۰) و سالانه ۳۸۵ میلیون تومان است. این یعنی هر خانواده ایرانی، چه تلویزیون نگاه کند و چه نه، چه صداوسیما را قبول داشته باشد یا نه، چه آن را دنبال کند یا سال‌هاست قید آن را زده باشد، محکوم است بخش قابل توجهی از بودجه خودش را برای رسانه‌ای بپردازد که انتخابش نمی کند.

کیهان - حسین شریعتمداری نوشت : اکنون این پرسش - با انگیزه همکاری و همراهی با جناب پزشکیان - در میان است که با توجه به غیر قابل توجیه بودن زمان ارسال نامه (به بن سلمان پیش از سفرش به نیویورک) آیا احتمال نمی دهید کسانی که ارسال نامه قدردانی از بن سلمان (در مورد خدمات سعودی به حجاج) را در زمان غیر قابل توجیه مورد اشاره (۵ ماه بعد از پایان حج قبلی و ۶ ماه قبل از مراسم حج بعدی) به جناب عالی پیشنهاد داده‌اند، همان هایی باشند که دروغ درخواست شما از بن سلمان برای میانجی گری را شایع کرده‌اند؟!

اعتماد - عباس عبدی نوشت : به نظر می رسد برخی نیروها علاقه دارند که بازی کنونی سیاست خارجی را وجودی تعریف کنند، لذا شکست را به منزله پایان بازی و خروج از آن می دانند، در نتیجه تعاریف از نتیجه بازی را تغییر داده و می خواهند بازی را تا حصول نتیجه نهایی و زدن سوت پایان آن که معلوم است چیست، ادامه دهند. در حالی که شطرنج بازان خوب می دانند که با توجه به بازی طرف مقابل خود در چه زمانی و پیش از مات شدن، بازی را واگذار کنند و دنبال بازی بعدی بروند و این رفتار را هم اصلا بد نمی دانند.

## انعکاس

انتخاب نوشت : یک منبع غربی به «الاخبار» اطلاع داد که ولیعهد سعودی، محمد بن سلمان، از رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، اختیار مدیریت گفت‌وگو برای میانجی گری میان ایران و ایالات متحده را دریافت کرده است؛ گفت‌وگویی که هدف آن دستیابی به توافقی میان دو طرف درباره حل نقاط اختلاف مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و مسئله تحریم‌ها علیه تهران است.

چند ثانیه نوشت : وبسایت بصیرت متعلق به معاونت سیاسی سپاه در یادداشتی به ماجرای خبرها درباره استعفای عارف پرداخت و نوشت: انسجام درونی، پیش‌نیاز حکمرانی مؤثر است و بی‌توجهی به آن می‌تواند دولت را در ادامه مسیر با فرسایش تصمیم گیری روبه‌رو کند. شایعه استعفای معاون اول یک پیام مهم دارد: دولت باید قبل از هر چیز، به ترمیم وحدت داخلی خود بپردازد و به جای آن که اختلافات به عرصه عمومی راه پیدا کند، آن‌ها را در ساختار حکمرانی به‌درستی مدیریت کند.

فراز نوشت : خبرگزاری بلومبرگ خبرداد : ابرنفتکش ایرانی آرمان ۱۱۴ که در سال ۲۰۲۳ هنگام تلاش برای انتقال نفت به یک نفتکش دیگر در آب‌های اندونزی توقیف شد، به همراه محموله نفتش به فروش گذاشته شده است. قیمت پایه حراج این نفتکش تحت تحریم آمریکا از سوی اندونزی، ۷۰ میلیون دلار اعلام شده است.

فرارو نوشت : یوسف پزشکیان، فرزند رئیس جمهور، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اعتماد دو طرفه است. نمی‌شود حکومت به مردم اعتماد نکند و انتظار داشته باشد مردم به او اعتماد کنند. فیلترینگ از نشانه‌های بی‌اعتمادی حکومت به مردم است.

رجا نیوز نوشت : دولت پزشکیان با شعار وفاق ملی، حمایت از کارشناسان، اعتدال و بازگرداندن اعتماد عمومی به روی کار آمد. اما طی یک ماه گذشته نشانه‌هایی از افزایش فاصله میان دولت و رسانه‌های حامی او مشخص شده است. گویا اصلاح‌طلبان در تلاش هستند تا قبل از این که عملکرد ضعیف پزشکیان برای همیشه به عمر جناح چپ سیاست ایران پایان بدهد، هرچه زودتر مقدمات جدایی خود از او را فراهم کنند.



### حضور رهبر انقلاب در مراسم فاطمیه و بازگشت نوحه‌های ایران‌محور در حسینیه امام خمینی(ره)، به‌عنوان ۲ اقدام مؤثر، نقش مهمی در خنثی‌سازی سناریوی جدید رژیم صهیونیستی ایفا کرد

# علمدار ایران فاطمی

یوسفی- پس از پایان جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، بسیاری از تحلیلگران تصور کردند که آتش‌بس نظامی به معنای پایان رویارویی است اما واقعیت میدان سیاست بین‌الملل مسیر دیگری را نشان داد. شکست رژیم صهیونیستی در تحقق هدف اعلام‌شده‌اش یعنی وارد کردن ضربه‌ای تعیین‌کننده به ساختار سیاسی ایران این بازیگر را وارد مرحله‌ای جدید از تقابل کرد. مرحله‌ای که نه با پهپاد و موشک، بلکه با بازنمایی بحران و جنگ ادراکی دنبال می‌شود. در چنین فضایی، حضور رهبر انقلاب در مراسم عمومی فاطمیه امسال، و بازگشت نوحه‌های ایران‌محور در حسینیه امام خمینی(ره)، به‌عنوان دو اقدام مؤثر، نقش مهمی در خنثی‌سازی سناریوی جدید رژیم صهیونیستی ایفا کرد.

**مرحله جدید تقابل**

بر اساس تجربه‌های جنگ‌های نامتقارن، زمانی که یکی از طرف‌ها در عرصه نظامی ناکام می‌ماند، به‌سرعت تلاش می‌کند میدان نبرد را تغییر دهد. پس از آن که رژیم صهیونیستی در عملیات ۱۲ روزه نتوانست اهداف مدنظر خود از جمله ایجاد شکاف در ساختار حکمرانی را محقق کند و با موشک‌باران‌های دقیق سپاه مجبور به آتش‌بس شد، وارد مرحله جنگ پس از جنگ شد. در این مرحله، دو محور اصلی دنبال شد: اول ساختن تصویر ایران به‌عنوان کشوری در وضعیت فوق بحران امنیتی برجسته‌سازی شایعات مربوط به عدم حضور رهبر انقلاب در برخی مراسم‌ها و تلاش برای ایجاد ادراک ناپایداری امنیتی دوم اختلاف‌افکنی اجتماعی؛ تمرکز بر شکاف‌های فرهنگی، اقتصادی و هویتی برای تضعیف سرمایه اجتماعی و ایجاد دوقطبی. این دو محور، ستون‌های اصلی پروژه‌ای بودند که هدف آن جلوگیری از تثبیت پیروزی ایران در جنگ سخت و تبدیل آن به فرسایش اجتماعی و سیاسی در داخل کشور بود.

**سیگنالی در برابر روایت بحران**

در چنین صحنه‌ای، حضور رهبر انقلاب در مراسم عمومی فاطمیه اهمیت مضاعفی پیدا می کند. این حضور نه یک اقدام نمایشی، بلکه یک اقدام ادراکی بود که دقیقاً در نقطه نیت دشمن عمل کرد. طبیعی است که پس از ترورهای سال‌های اخیر و فضای پرتنش منطقه، تیم حفاظت عالی‌ترین مقام کشور پروتکل‌های دقیقی را رعایت کند اما این مسئله به هیچ‌وجه به معنای وجود بحران امنیتی نیست.

دشمن، همین فاصله طبیعی را تبدیل به روایت ساختگی کرد؛ روایتی که می کوشید نشان دهد ایران هنوز در وضعیت فوق‌العاده است و امکان بازگشت به وضع عادی وجود ندارد. حضور عادی و باطمانینه رهبری در مراسم امسال، این روایت را از مبنا بی‌اعتبار کرد. سیگنال ساده اما مهم این حضور آن بود که ثبات ایران نه‌تنها مختل نشده، بلکه جریان عادی‌سازی پس از جنگ با سرعت در حال پیشروی است.

**بازگشت به امر ملی**

همزمان با محور امنیتی، بخش دیگری از تقابل دشمن در حوزه اجتماعی دنبال می‌شد. رسانه‌های خارجی تلاش کردند جنگ را از عرصه نظامی به فضای عمومی ایران منتقل کنند با تأکید بر اختلافات، شکاف‌های فرهنگی و برجسته‌سازی دوگانه‌های هویتی. پاسخ رهبر انقلاب به این پروژه، نه از مسیر خطابه‌های احساسی، بلکه از مسیر بازتعریف نمادهای فرهنگی صورت گرفت. توصیه به مداح مراسم برای خواندن نوحه‌های ایران‌محور از جمله «ایران ای سرای امید» در حسینیه امام خمینی(ره)، تحولی بود که کمتر در سال‌های اخیر دیده شده است. این پیام را به‌طور ضمنی در خود داشت که در شرایط جنگ ادراکی، تکیه بر امر ملی و تقویت حس مشترک ایرانی بودن، یک ضرورت امنیت ملی است.

**چگونه این دو اقدام، سناریوی رژیم صهیونیستی را خنثی کرد؟**

برای درک اثر این دو اتفاق باید به معماری جنگ ادراکی دشمن توجه کرد. رژیم صهیونیستی تلاش داشت دو گزاره را در ذهن مخاطب ایرانی و بین‌المللی تثبیت کند یک ایران دچار بحران امنیتی مزمن است و دوم اینکه جامعه ایران دچار شکاف هویتی و ناتوان از شکل‌دهی وحدت ملی است. به عبارت دیگر، رهبری، میدان جنگ را از حالت دفاعی به حالت فعال و ابتکاری تغییر داد. بجای واکنش به روایت‌های بیرونی، با معنادار کردن رفتارهای عادی ابتکار روایت سازی از شرایط موجود در کشور را از دست رسانه های دشمن پس گرفت.

### سفر لاریجانی به پاکستان نشان دهنده اراده ۲ کشور برای تقویت امنیت پایدار و پیوند زدن توافقات گذشته با نظم نوین منطقه‌ای است

# ائتلاف نوین در اسلام آباد؟

توکلی- سفر علی لاریجانی به اسلام‌آباد در یکی از پرشتاب‌ترین مقاطع تحولات منطقه‌ای، فراتر از یک دیدار دیپلماتیک ارزیابی می شود و نشان‌دهنده عزم تهران و اسلام‌آباد برای بازتعریف همکاری‌های خود بر پایه امنیت پایدار و همگرایی چندلایه است. در شرایطی که غرب و جنوب آسیا شاهد تغییراتی ژرف در ساختارهای امنیتی و سیاسی است، این سفر می‌تواند حلقه اتصال توافقات گذشته با نظمی نوین باشد. در همین مسیر، شبکه المیادین گزارش داده که مأموریت لاریجانی صرفاً تشریفاتی نیست، بلکه با هدف زمینه‌سازی برای شکل‌گیری یک ائتلاف راهبردی میان ایران و پاکستان و سپس گسترش آن به سوی عربستان دنبال می‌شود؛ تحولی که وزن ژئوپلیتیکی این سفر را ارتقا می‌دهد.

**پیوندهای تاریخی و ضرورت امنیت پایدار**

روابط ایران و پاکستان برخاسته از پیوندهای عمیق فرهنگی، زبانی و مذهبی است؛ پیوندهایی که در بزنگاه‌های مهم تاریخی به شکل حمایت‌های مردمی و دولتی بروز یافته‌اند. نمونه برجسته این همبستگی، پشتیبانی پررنگ مردم پاکستان از ایران در جنگ دوازده‌روزه بود؛ رخدادی که سطح روابط دو کشور را از دیپلماسی رسمی فراتر برد و به نوعی «اخوت راهبردی» تبدیل کرد. مرز طولانی میان دو کشور و اشتراکات اجتماعی نیز این همکاری را به ضرورتی امنیتی و اقتصادی بدل کرده است.

در سال‌های اخیر، روابط تهران و اسلام‌آباد وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ از سفرهای متوالی مقامات عالی‌رتبه تا هماهنگی‌های امنیتی گسترده برای مدیریت مراسم اربعین. در چنین شرایطی، سفر لاریجانی - به‌عنوان عالی‌ترین مقام امنیتی ایران - حامل پیام ساختاری است. تأکید بر افزایش تراز تجاری دو کشور از سه به ده میلیارد دلار، امضای ۱۲ سند همکاری شامل تجارت آزاد، مبادله پایاپای، و توسعه زیرساخت‌های بانکی و لجستیکی، و همچنین تلاش برای فعال‌سازی طرح‌هایی چون خط لوله صلح، نشان می‌دهد امنیت به موتور محرک توسعه همکاری‌ها تبدیل شده است.



**ائتلاف نوظهور و بازآرایی موازنه‌های منطقه‌ای**

آنچه این سفر را در سطح منطقه‌ای برجسته‌تر می کند، محور تازه‌ای است که المیادین به آن اشاره کرده است: تلاش برای شکل‌دهی یک ائتلاف راهبردی میان ایران و پاکستان و سپس پیوند آن با عربستان. چنین ائتلافی می‌تواند الگوی بومی تازه‌ای برای امنیت منطقه‌ای ایجاد کرده و موازنه‌های موجود را دگرگون سازد؛ به‌ویژه در شرایطی که برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای با بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی، در تلاش برای بازگشت به جغرافیای افغانستان و تضعیف استقلال منطقه هستند. همکاری امنیتی ساختاری میان این سه بازیگر می‌تواند به شکل‌گیری نوعی «چتر بازدارندگی» منجر شود؛ چتری که نه‌تنها ثبات مرزهای شرقی ایران و پاکستان را افزایش می‌دهد، بلکه زمینه را برای پیشبرد پروژه‌های اقتصادی مشترک نیز فراهم می کند. تجربه موفق همکاری‌های امنیتی میان ایران و عراق نشان داده است که هماهنگی اطلاعاتی و امنیت عملیاتی، بستر استحکام روابط سیاسی و اقتصادی را فراهم می‌آورد. در شرایطی که پاکستان با تنش‌های امنیتی در مرزهای افغانستان و مناقشه با هند روبه‌روست، و عربستان نیز در مسیر تازه‌ای از دیپلماسی منطقه‌ای حرکت می کند، این مسیر سه‌جانبه می‌تواند نقشی تعیین کننده در نظم جدید آسیایی داشته باشد. از همین رو، سفر لاریجانی نه‌تنها یک دیدار دوجانبه، بلکه «لحظه‌ای محوری» در بازآرایی معماری امنیتی و اقتصادی منطقه تلقی می‌شود؛ لحظه‌ای که می‌تواند مسیر حرکت به‌سوی بلوک‌های بومی و پایدار را هموار کند.

# طناب دارِ سیاست زدگی

### اظهارات کامران غضنفری علیه روحانی نشان می دهد یک نماینده تا چه اندازه می‌تواند از بینش سیاسی تهی باشد

مجاور- سخنان اخیر کامران غضنفری، نماینده تهران، درباره حسن روحانی آن‌جا که ادعا می کند «روزی که روحانی اعدام شود روز جشن مردم است» بار دیگر این پرسش بنیادین را پیش روی افکار عمومی قرار داده که مرز مسئولیت‌پذیری سیاسی و سقوط به ورطه هیجان‌سازی خطرناک کجاست؟ آن‌چه غضنفری گفته است، نه نقد عملکرد یک مقام سابق، بلکه ترویج خشونت کلامی و حکم‌سازی خارج از صلاحیت قانونی بود؛ رفتاری که بیش از آن که روحانی را هدف بگیرد، شأن قانون‌گذاری را نشانه رفت. بی تردید اظهارنظرهای تند و غیرمسئولانه اگرچه در فضای قطبی امروز کم‌سابقه نیست، اما آن‌چه غضنفری بر زبان آورد، از خط‌کشی‌های معمول سیاسی فراتر رفت و به نوعی مرزهای اخلاقی و حقوقی را مخدوش کرد. حتی در تندترین منازعات سیاسی جمهوری اسلامی، خطوطی وجود داشته که رعایت آن‌ها حداقل حرمت نهادهای انتخابی را حفظ می کرد.



نماینده‌ای که به‌جای طرح برنامه و نقد مستند، به طناب‌دار اشاره می کند، ناخودآگاه اعلام می کند که در میدان سیاست، ابزار دیگری برای گفت‌وگو نمی‌شناسد. این ادبیات بیش از آن که ریشه در قدرت داشته باشد، از فقدان بلوغ سیاسی حکایت می کند. سخن از «چند بار اعدام» یا تبدیل مجازات به «جشن» نه به تقویت عدالت کمک می کند و نه به ترمیم زخم‌های سیاسی. این سطح از گفتار، محصول عصبانیت نیست؛ بلکه نشانه تسلیم شدن به منطق هیجان‌سازی است؛ منطقی که سرمایه اجتماعی و آرامش عمومی را قربانی نمایش‌های لفظی می کند.

**نمایندگی مجلس؛ جایگاه مسئولیت، نه حکم‌سازی**

باید از آقای غضنفری پرسید شما قاضی هستید یا قانون‌گذار؟ وظیفه نماینده مجلس صدور حکم نیست؛ مطالبه‌گری برای اجرای قانون است، نه تعیین برائت یا محکومیت افراد. این که یک نماینده از جایگاه رسمی خود چنین احکامی را پیشاپیش اعلام کند، نه‌تنها خلاف شأن نمایندگی است، بلکه به‌طور مستقیم فضای جامعه را رادیکال و قطبی می‌سازد. طبیعی است که چنین سخنانی طرفداران روحانی را در برابر گوینده قرار می‌دهد و بستر تنش‌های سیاسی تازه را فراهم می کند؛ تنش‌هایی که کشور در شرایط حساس فعلی کمترین نیاز به آن‌ها را دارد. نقد روحانی - مانند هر مقام دیگری - حق هر شهروند و نماینده است. عملکرد دولت‌ها بارها مورد ارزیابی و بحث بوده و خواهد بود. اما نقد با «اعدام‌خواهی» تفاوت ماهوی دارد. نقد، مستند و منطقی است؛ بر قانون تکیه می کند و به قضاوت نهادهای صالح احترام می‌گذارد. اما دعوت به مرگ یک مقام سابق از تریبون رسمی، سقوط از قواعد حداقلی سیاست‌ورزی است؛ سقوطی که حیثیت مجلس را بیش از هر چیز مخدوش می کند.

**آغاز یک مسیر خطرناک**

گفته‌اند سقوط یک سیاستمدار همیشه با یک جمله آغاز می‌شود. شاید این جمله، سرآغاز سقوط گوینده باشد؛ چرا که سیاست‌مداری که برای ماندن نیازمند تندترین واژگان و خشن‌ترین پیام‌هاست، پیشاپیش اعتراف کرده که چیز دیگری در چنته ندارد. این نوع گفتار نه تورم را کاهش می‌دهد، نه سفره مردم را بزرگ‌تر می کند، نه راهکاری برای مشکلات تهران و کشور ارائه می‌دهد. در روزگاری که جامعه تشنه آرامش، حکمرانی مؤثر و گفت‌وگوی عقلانی است، اظهارات این‌چنینی چیزی جز ریختن بنزین بر آتش شکاف‌های سیاسی نیست. نمایندگان مجلس بیش از هر زمان دیگر باید بدانند که کلماتشان حکم دارد؛ حکم نه برای اعدام، بلکه برای ساختن یا تخریب اعتماد عمومی.

## دیدگاه

عماد سلیمانی
info@khorasannews.com

رسایی نه‌تنها مخالف فیلترینگ نبوده، بلکه یکی از مدافعان ثابت‌قدم این سیاست در سال‌های اخیر محسوب می‌شود

# تناقض گویی های رسایی

در روزهایی که موضوع فیلترینگ و سیاست‌گذاری در فضای مجازی به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوی سیاسی و اجتماعی تبدیل شده، اظهار نظر تازه حمید رسایی مبنی بر این که «در ایران کسی موافق فیلترینگ نیست» دوباره موجی از نقد و پرسش را به دنبال داشته است. این گزاره در ظاهر تلاش می کند فاصله‌ای میان حاکمیت و محدودیت‌های فضای مجازی ترسیم کند، اما بررسی سوابق مواضع رسایی نشان می‌دهد چنین ادعایی نه‌تنها نادرست است، بلکه با مواضع گذشته خود او نیز در تناقض آشکار قرار دارد. تناقضی که پیامد آن چیزی فراتر از یک خطای سیاسی فردی است و مستقیم به حوزه سرمایه اجتماعی نظام ضربه می‌زند. نگاهی به مواضع رسایی در سال‌های اخیر، تصویری روشن از این دوگانگی رفتاری ارائه می‌دهد:

۲۱ دی ۱۳۹۶: رسایی در کانال رسمی خود نوشت: «در این که تلگرام به هزاران دلیل باید فیلتر شود، هیچ تردیدی وجود ندارد». این موضع‌گیری صریح‌ترین شکل دفاع از فیلترینگ در اوج اعتراضات آن سال بود.

۱۳ فروردین ۱۳۹۷: او با تندتر کردن مواضع قبلی، مدعی شد مسئله «فیلترینگ تلگرام» حتی تعبیر درستی نیست و باید آن را «اشغال سایبری» دانست.

۲ آبان ۱۴۰۳: این بار و در واکنش به احتمال رفع محدودیت برخی پلتفرم‌ها، رسایی نه‌تنها مخالفتش را پنهان نکرد بلکه ماجرا را بهانه‌ای برای «سرگرم‌سازی مردم در آستانه گرانی بنزین» دانست؛ اظهار نظری که عملاً جنبه توطئه‌پندارانه به رفع محدودیت‌ها می‌داد.

۵ دی ۱۴۰۳: او از رئیس جمهور خواست «با یک دستور ساده وضعیت افسار گسیخته فیلترشکن‌ها و فیلترشکن‌فروشی را سامان دهد»؛ جمله‌ای که تأکید دوباره بر لزوم انسداد و کنترل بیشتر بود.

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴: در نقد برنامه «شیوه» صداوسیما، اقدامات این برنامه را «ماست‌مالیزاسیون برای حضور سکوهای دشمن» تعبیر کرد و اصل فیلترینگ را خط قرمز دانست.

با کنار هم گذاشتن این شواهد، روشن است که رسایی نه‌تنها مخالف فیلترینگ نبوده، بلکه یکی از مدافعان پرارجاع، پرحجم و ثابت‌قدم این سیاست در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. از این‌رو ادعای اخیر او مبنی بر نبود «هیچ موافقی» برای فیلترینگ، تناقضی اساسی با کارنامه رسانه‌ای خود او دارد؛ تناقضی که نمی‌توان آن را ناشی از خطای لفظی دانست.

سیاست فیلترینگ، فارغ از ارزش‌گذاری موافق یا مخالف، دارای مدافعان برجسته و شناخته‌شده‌ای بوده است؛ از جمله رسول جلیلی، رضا تقی‌پور، یاسر جبرائیلی، روحا... مؤمن‌نسب و دیگرانی که استدلال‌هایشان سال‌ها در فضای عمومی مطرح شده است. نادیده گرفتن این واقعیت و ارائه گزاره‌ای شبیه «هیچ‌کس موافق فیلترینگ نیست» نه‌تنها خلاف حقیقت است، بلکه نشان‌دهنده نوعی فرار رو به جلو در مواجهه با مسئولیت اجتماعی است. در شرایطی که جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند شفافیت، صداقت و احساس هم‌سویی میان سیاست‌گذاران و مردم است، چنین اظهارات متناقضی نه‌تنها به بازسازی سرمایه اجتماعی کمکی نمی‌کند، بلکه به تشدید شکاف میان افکار عمومی و ساختار رسمی منجر می‌شود. مردم زمانی دچار بی‌اعتمادی می‌شوند که سخنان امروز یک چهره سیاسی با سوابق دیروز او در تضاد باشد به‌ویژه هنگامی که این تناقض درباره موضوعی باشد که مستقیم بر زندگی روزمره آنان اثر می‌گذارد.

